



صفات ظاهری معشوق در غزلیات حافظ

سیده خورشید فاطمه حسینی^۱

در غزلیات حافظ، معشوق دارای صفات ظاهری و شخصیتی بسیاری است که در این مقاله تنها به برخی از مهمترین صفات ظاهری معشوق حافظ که البته نشانگر دیدگاه عصر و زمانه حافظ درباره معشوق ایده آل نیز هست، اشاره می شود:

۱- معشوق حافظ چون غنچه خنده روست و لبی چون لعل دارد:
یارب آن گلبن خندان که سپردی به منش می سپارم به تو از چشم حسود چمنش

*

باده لعل لبش کز لب من دور مباد راح روح که و پیمان ده پیمانہ کیست
۲- شیرین دهن و شمشاد قد و گل اندام است:
شاه شمشاد قدان خسرو شیرین دهنان که به مژگان شکند قلب همه صف شکنان

*

با یار شکر لب گل اندام بی بوس و کنار خوش نباشد
۳- به هنگام راه رفتن چون سرو می خرامد:

چندان بود کرشمه و ناز سهی قدان کاید به جلوه سرو صنوبر خرام ما

*

ای سرو ناز که خوش می روی به ناز عشاق را به ناز تو هر لحظه صد نیاز

۱- وابسته پژوهشی بخش فارسی دانشگاه دهلی، دهلی.



۴- گیسوانی حلقه حلقه و سیاه و عطر آگین دارد:

هم گلستان خیالم همه پر نقش جمال هم مشام دلم از زلف سمن سای تو خوش

*

صبا تو نکهت آن زلف مشکبو داری به یادگار بمانی که بوی او داری

*

زکوی یار بیار ای نسیم صبح غباری که بوی خون دل ریش از آن تراب شنیدم

*

آن نافه مراد که می خواستم زبخت در چین زلف آن بت مشکین کلاله بود

*

شب تیره چون سرآرم ره پیچ پیچ زلفت مگر آنکه عکس رویت به رهم چراغ دارد

*

گفتی که حافظا دل سرگشته ات کجاست در حلقه های آن خم گیسو نهاده ایم

۵- دارای خالی مشکین، چهره ای سبزه و گندمگون است:

آن سیه چرده که شیرینی عالم با اوست چشم میگون، لب خندان دل خرم با اوست

خال مشکین که بر آن عارض گندمگون است سر آن دانه که شد رهزن آدم با اوست

۶- چشم و ابرو مشکلی است:

دردا که از آن آهوی مشکین سیه چشم چون نافه بسی خون دلم در جگر افتاد

*

گره ز ابروی مشکین نمی گشاید یار نیاز اهل دل و ناز نازنینان ببین

۷- ابرو کمان است و اگر گره در آن اندازد، کار عاشق بیچاره زار می شود:

در نمازم خم ابروی توام یاد آمد حالتی رفت که محراب بفریاد آمد

*



بعد از اینم چه غم از تیر کج انداز حسود که به محبوب کمان ابروی خود پیوستم

*

گره ز ابروی مشکین نمی گشاید یار نیاز اهل دل و ناز نازنینان ببین

*

مرغ دل باز هواخواه کمان ابرویست ای کبوتر نگران باش که شاهین آمد

۸- چشمانی خمار چون نرگس دارد:

پارسایی و سلامت هوسم بود ولی شیوه ای می کند آن نرگس فتان که می پرس

*

در چشم پر خمار تو پنهان فسون سحر در زلف بیقرار تو پیدا قرار حسن

۹- حافظ در مورد ساق، ساعد و اندام معشوق خود می گوید:

روزها رفت که دست من مسکین نگرفت ساق شمشاد قدی ساعد سیم اندامی

۱۰- و چانه معشوق خود را به سیب تشبیه می کند:

مبین به سیب زنخدان که چاه در راهست کجا روی ای دل بدین شتاب کجا

*

به خلدم دعوت ای زاهد مفرمای که این سیب زنخ زان بوستان به

در پایان بایستی یادآور شد که ویژگیهای یادشده به عقیده بسیاری از صاحب نظران

مفاهیمی عرفانی هستند که در این باره علاقه مندان می توانند به کتابهایی که درباره

اصطلاحات رایج میان عرفا و صوفیان نوشته شده است، مراجعه کنند.
